

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره بیست و هفتم، زمستان ۱۳۹۱: ۱۷۶-۱۵۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۴/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۶

سنت و مدرنیته در رمان «همسایه‌ها»

مه‌بود فاضلی*

فاطمه سادات حسینی**

چکیده

رابطه جامعه و ادبیات، یکی از موضوعاتی است که در تحقیقات ادبی به آن پرداخته می‌شود. رابطه سنت و مدرنیته به عنوان یک مسئله اجتماعی، در آثار ادبی نیز بازتاب یافته است. نمایش عناصر این دو (با تکیه بر نظریات «آنتونی گیدنز») در رمان «همسایه‌ها»، تبیین رابطه عناصر سنت و مدرنیته و انعکاس نظر نویسندگان درباره این دو، هدف اصلی این پژوهش را شکل می‌دهد. آنتونی گیدنز معتقد است که سنت‌ها در مدرن‌ترین جوامع نیز به حضور خود ادامه می‌دهند. نتایج پژوهش، بیانگر این نکته است که شاخص‌های سنتی فرهنگی و اجتماعی بیشتر از عناصر مدرن در این زمینه‌ها در داستان دیده می‌شود؛ به همین دلیل هر چند عناصر اقتصادی و سیاسی بیشتر مدرن هستند، در مجموع مغلوب سنت‌ها می‌شوند و موفق نمی‌شوند خود را تثبیت کنند. محمود به بیشتر سنت‌ها به‌ویژه سنن فرهنگی نگاهی منفی دارد؛ اما از نقد عناصر مدرن نیز غافل نمی‌شود.

واژه‌های کلیدی: سنت، مدرنیته، نقد جامعه‌شناختی، احمد محمود و رمان همسایه‌ها.

* نویسنده مسئول: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه الزهرا (س) Mahbood46@yahoo.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی Fhosseini1366@gmail.com

مقدمه

سنت، احساسات و باورهایی است که به شکل جمعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. رفتار سنتی، رفتاری است که در حوزه‌ای معین تکرار می‌شود. به عقیده گیدنز، از عناصر مهم سنت که هسته مرکزی آن را تشکیل می‌دهد، مراسم، آیین‌ها و رفتارهای تشریفاتی هستند که معمولاً با هیجان و احساسات همراه می‌شوند. گیدنز برخلاف بسیاری از جامعه‌شناسان بر این باور است که سنت‌ها از جریان نوسازی دور نمی‌شوند و حتی در مدرن‌ترین جوامع ادامه می‌یابند. او ضمن برشمردن دستاوردهای مثبت مدرنیته به نتایج منفی آن نیز اشاره می‌کند.

مدرنیته مجموعه‌ای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فلسفی است که از حدود سده هفده میلادی در غرب متولد شده و تا امروز ادامه یافته است. ویژگی‌های اصلی آن، فروپاشی، اصلاح، تجزیه و تغییر سریع، ناپایداری و ناامنی است. این پدیده اجتماعی به دلیل تغییرات ناشی از صنعتی‌سازی، گسترش زندگی شهری و خروج دین از زندگی شکل گرفته است. بسیاری، مدرنیته را روزگار پیروزی خرد انسانی بر باورهای سنتی (اسطوره‌ای، دینی، اخلاقی و فلسفی) می‌دانند.

ادبیات انواع زیادی دارد، اما رمان، مهم‌ترین ژانری است که از جامعه تأثیر می‌گیرد. به‌ویژه رمان‌هایی که در گونه رئالیسم اجتماعی به نگارش درآمده‌اند (زرافا، ۱۳۸۶: ۹). تحولات جامعه، افکار و آداب و رسوم اجتماعی از مسائلی هستند که در زبان و ادبیات هر جامعه منعکس می‌شوند. رابطه سنت و مدرنیته از جمله این مسائل است. /حمود محمود، رمان‌نویس معاصر ایرانی است که در آثار خود به واقعیت‌های اجتماعی توجه زیادی می‌کند. همسایه‌ها (۱۳۵۳) از مهم‌ترین رمان‌های محمود و تقابل سنت و مدرنیته، یکی از مضامین اصلی این اثر است. در داستان‌های «محمود»، سنت و مدرنیته معمولاً به تقابلی می‌انجامد که به حذف یکی از آنها منجر می‌شود. پژوهش حاضر در صدد است تا عناصر سنت و مدرنیته را با تکیه بر نظریات گیدنز استخراج کند و سپس این شاخص‌ها را با «همسایه‌ها» تطبیق دهد. هدف ما از این پژوهش، بررسی پدیده‌ای اجتماعی در رمان، به عنوان اثری ادبی است.

یکی از جامعه‌شناسانی که به بررسی مدرنیته در آثار ادبی پرداخته، «مارشال برمن» است که در کتاب «تجربه مدرنیته» به تفاوت‌های مدرنیسم، مدرنیزاسیون و مدرنیته پرداخته و مدرنیته را در برخی از آثار ادبی، نظیر «فاوست گوته» بررسی کرده است. از نظر وی، مدرنیسم تفکر زمینه‌ساز مدرنیته و مدرنیزاسیون است.

جامعه‌شناسی ادبیات در کشور ما رشته‌ای نوپاست و آثار اندکی در این زمینه نگاشته شده است. یکی از نمونه‌های خوب این کار، مقاله «ادبیات داستانی و سرنوشت جامعه‌شناسی در ایران» است. این مقاله علمی پژوهشی، مدرنیته را در آثار داستان‌نویسان ایرانی (صادق هدایت، جلال آل احمد، دولت‌آبادی و علی‌اشرف درویشیان) مطالعه کرده است. نویسندگان آن (تقی آزاد ارمکی و شهرام پرستش) معتقدند روند مدرنیته در ایران عینی بوده است نه ذهنی. بنابراین مدرنیته تنها در لایه‌های سطحی جامعه اتفاق افتاده و پایه‌های مستحکمی نداشته است.

یافته‌های پژوهش ما حاکی از این است که مدرنیته در رمان همسایه‌ها نیز همین شکل را دارد. البته تلاش کرده‌ایم تا علاوه بر مدرنیته، سنت را نیز در این اثر ارزیابی کنیم. از آنجا که محمود در همه آثار خود به جامعه اهمیت زیادی می‌دهد، داستان‌های وی می‌توانند بستر مناسبی برای مطالعه جامعه‌شناختی باشند. هر چند در این زمینه مقالات و کتاب‌هایی نوشته شده است، جای خالی تحقیقی مستقل و محدود به موضوعی خاص درباره آثار این نویسنده همچنان باقی است. بنابراین مقاله حاضر تلاش می‌کند تا در یکی از رمان‌های محمود، به نقد جامعه‌شناختی یکی از پدیده‌های مهم اجتماعی بپردازد. پس از انتشار رمان *درخت /نجیر معابد احمد محمود*، منتقدان زیادی مانند *عبدالعلی دستغیب*، *رضا امیرخانی* و *بلقیس سلیمانی* به تقابل سنت و مدرنیته در این اثر توجه کردند (آقائی، ۱۳۸۳: ۴۰۹)؛ اما مطالعه آثار دیگر محمود نشان می‌دهد که این مسئله در دیگر داستان‌های محمود به‌ویژه رمان *نخست او* نیز برجسته است. از این‌رو در این مقاله به این موضوع پرداخته شده است.

روش کار

این مقاله به شکل توصیفی - تحلیلی است و برای نگارش آن از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. رمان *همسایه‌ها* (۱۳۵۳)، جامعه آماری این پژوهش است. روش نمونه‌گیری، استقرای تام و استفاده از فیش‌برداری بوده است و در تجزیه و تحلیل به انطباق شاخص‌های یافته شده (با تکیه بر نظریات گیدنز) با اثر مذکور پرداخته شده است. برای این کار، عناصر سنت و مدرنیته در چهار بخش فرهنگ، اجتماع، اقتصاد و سیاست دسته‌بندی شده است؛ البته در اینجا فقط به ذکر برخی از نمونه‌ها اکتفا می‌شود. نخست لازم است تعریفی از سنت و مدرنیته بیان شود.

سنت

به مجموعه‌ای از اعتقادات، باورها و آداب و رسوم که ریشه در گذشته دارد، خصلت جمعی دارد و به شکل سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، سنت می‌گویند. در تعریف آن گفته‌اند: «یک دسته رسوم اجتماعی که در صدد تکریم و القای هنجارها و ارزش‌های رفتاری معین و متضمن تداوم گذشته‌ای واقعی یا خیالی هستند. این رسوم، معمولاً با مناسک بسیار رایج یا دیگر اشکال رفتار نمادین پیوند دارد» (مارشال، ۱۳۸۸: ۱۱۹۶). ریشه اصلی واژه سنت^۱ به معنای انتقال دادن است (جهانگلو، ۱۳۸۷: ۲۰۶)؛ به همین خاطر مفهوم انتقال از نسلی به نسل دیگر، مهم‌ترین ویژگی سنت است که موجب تداوم آن می‌شود.

مدرنیته

مدرنیته، مجموعه‌ای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فلسفی است که در غرب از حدود سده هفدهم شکل گرفت و تا امروز زیرساخت‌های اصلی جامعه غرب را تغییر داده است. ریشه واژه مدرن، لغت لاتین modernus است و خود از ریشه modo مشتق شده است. در زبان لاتین، واژه modo به معنای اواخر و گذشته‌ای نزدیک بوده

1. Tradition

یکی از مسایل کلیدی مدرنیته، تغییر است. اساس آن بر نقد گذشته و حال استوار است تا آنجا که خود را نیز نقد می‌کند. ایجاد مکتب پست‌مدرنیسم گواه این مدعاست. خردباوری، فردمحوری و انسان‌گرایی از مبانی مدرنیته‌اند و با خداباوری اندیشه سنتی تقابل دارند. صنعتی شدن، افزایش نیروی نظامی، دموکراسی و رشد رسانه‌های ارتباط جمعی، شاخص‌های دیگری هستند که موجب تغییر در زیرساخت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شدند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۶۵).

مدرنیته، موافقان و مخالفان بسیاری دارد. موافقان مدرنیته از دستاوردهای مفید آن برای بشر سخن می‌گویند و مخالفان معتقدند که نتایج منفی آن بسیار بیشتر از خدمات آن است. توتالیتاریسم، از خودبیگانگی، استعمار و استثمار، برخی از این نتایج هستند.

مدرنیته در ایران

مدرنیته در ایران تاریخ درازی ندارد. از آشنایی ایرانیان با پیشرفت‌های غربی، حدود صد و پنجاه سال می‌گذرد. آشنایی آنان از راه یافتن به خارج، مطالعه آثار غربیان و حضور آنان در ایران اتفاق افتاد (زیباکلام، ۱۳۷۶: ۲۶۳). عباس میرزا و امیرکبیر نخستین کسانی بودند که روند تجدد را تشویق می‌کردند و مشتاق تغییر بودند و هر کدام به نوعی شکست خوردند. اما تجدد، مخالفان زیادی نیز داشت که آن را مخالف با دین اسلام و به معنای خروج از دین می‌دانستند. از سردمداران این دسته، شیخ فضل‌الله نوری است. با این حال انقلاب مشروطه، اولین ارمغان مدرنیته ایرانی است که هرچند ناکام ماند، تأثیر زیادی در اندیشه روشنفکران ایرانی باقی گذاشت. در دوره رضا شاه، اقداماتی مانند ممنوعیت حجاب، ایجاد ارتش و ساخت راه‌آهن، زمینه تجدد را فراهم ساخت و محمدرضا شاه نیز این مسیر را ادامه داد. هرچند چنین تلاش‌هایی ظاهر زندگی ایرانی را تغییر دادند، مبانی اندیشه در ایران تفاوت بنیادی نکرد. در واقع مدرنیته در ایران بیش از آنکه ذهنی باشد، عینی بود (آزاد ارمکی و پرستش، ۱۳۸۳: ۹۰). بنابراین تعارض زیادی در ذهن ایرانیان به وجود آمد. آنان بین انتخاب سنت و مدرنیته، سرگردان ماندند و ناچار به تلفیق عناصر این دو حوزه شدند. این تلفیق در بعضی موارد

۱۶۴ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره بیست و هفتم، زمستان ۱۳۹۱ —————
شدنی بود؛ اما چالش‌های جدیدی را نیز به وجود آورد، زیرا برخی از مبانی مدرنیته در تضاد اساسی با بنیان‌های سنتی قرار داشت.

احمد محمود و «همسایه‌ها»

احمد اعطا متخلص به احمد محمود، نویسنده معاصر ایرانی است که بیشتر آثارش را در حوزه رئالیسم اجتماعی نوشته است. او بخشی از جوانی را در امر سیاست و به تبع آن در زندان گذراند (گلستان، ۱۳۸۶: ۷). تأثیر این موضوع در برخی از رمان‌های وی قابل ردیابی است. همسایه‌ها، اولین رمان محمود است که در سال ۱۳۵۳ چاپ شد و شهرت زیادی برای نویسنده به ارمغان آورد. این داستان که پیش از انقلاب به دلایل سیاسی، سال‌ها اجازه چاپ نمی‌یافت، پس از آن نیز به دلایل اخلاقی، مجوز انتشار پیدا نکرد. با این حال این رمان، مخاطبان زیادی داشته و به نظر بیشتر منتقدان بهترین رمان محمود به شمار می‌آید.

«انعکاس شمه‌ای از مبارزات مردمی در جریان ملی شدن صنعت نفت، مضمون فراگیر اولین رمان احمد محمود است که مضامین دیگری چون تحلیل اوضاع سیاسی و اجتماعی برهه‌ای از تاریخ ایران را نیز در بطن خود جای داده است» (اجاکیانس، ۱۳۸۶: ۱۴۳). تقابل سنت و مدرنیته، یکی از این مضامین است که نویسنده به آن پرداخته است. زمان داستان (اوایل دهه ۱۳۳۰)، بستر مناسبی برای این موضوع فراهم کرده است؛ زیرا دوره پهلوی، عصر گسترش مظاهر مدرنیته در کشور است. البته باید توجه کنیم که شهر اهواز در همسایه‌ها به عنوان مکان وقوع داستان در سال‌های آغاز دهه سی انتخاب شده است. بنابراین بسیاری از ویژگی‌های محیطی و روابط افراد با یکدیگر به شکل روستایی نزدیک است (قدرتی، ۱۳۸۶: ۱۵۷). این مسئله خود بیانگر این نکته است که شهر در این رمان هنوز شکل مدرن پیدا نکرده و به شکل سنتی شباهت دارد.

خلاصه داستان

همسایه‌ها، داستان ساکنان خانه‌ای اجاره‌ای را بیان می‌کند که هر یک در یکی از اتاق‌های این خانه زندگی می‌کنند. قهرمان اصلی داستان همسایه‌ها، پسر نوجوانی به اسم «خالد» است که در خانواده مذهبی و فقیری رشد کرده است. خانه‌ای که داستان در آن رخ می‌دهد، ساکنانی قانع دارد و تنها «محمد مکانیک» است که حرف‌های تازه‌ای دارد و همیشه با مخالفت مواجه می‌شود. با افزایش واردات، پدر «خالد» که آهنگری ساده است، به دنبال بیکاری مستمر، راهی کشور کویت می‌شود. خالد مسئولیت زندگی را عهده‌دار می‌شود. به همین خاطر راهی قهوه‌خانه «امان‌آقا» (یکی از همسایه‌ها) می‌گردد. او در آنجا با کارگران نفت و مبارزات ایشان آشنا می‌شود. اتفاقی کوچک، خالد را به دنیای بزرگ سیاست می‌کشاند. کم‌کم خالد با مفاهیم تازه‌ای روبه‌رو می‌شود. جنبش‌های سیاسی برای ملی کردن صنعت نفت و بیرون راندن بیگانگان، خالد را جذب می‌کند. ارتباط نامشروع او و «بلور خانم» و عشق به دختر «سیه‌چشم»، دیگر حوادث داستان است که رشد عاطفی قهرمان قصه را به نمایش می‌گذارد. سرانجام، مبارز کم‌تجربه راهی زندان می‌شود و در آنجا نیز به نوع تازه‌ای خواسته‌های خود را مطرح می‌کند. اعتصاب غذا، ماجرای دیگری است که خالد از رهبران اصلی آن محسوب می‌شود و سرانجام شکست می‌خورد. خالد، ماه‌های پایان حبس را در سلول انفرادی می‌گذراند؛ اما هنگامی که فکر می‌کند زمان آزادی رسیده است، می‌فهمد که باید راهی خدمت سربازی شود.

سنت در رمان همسایه‌ها

فرهنگ: آداب دینی و اعتقادات مذهبی

نماز: در همسایه‌ها، پدر «خالد» مذهبی‌ترین شخصیت داستان است که به امور دینی اهمیت زیادی می‌دهد. خالد هر چند به حزب توده پیوسته است و اعتقادی به اعمال مذهبی نشان نمی‌دهد، هنگامی که در زندان به سر می‌برد، با یادآوری تصویر پدرش و «عمو بندر» در حال نماز خواندن، احساس آرامش می‌کند (محمود، ۱۳۵۳: ۳۵۸ و ۴۹۹). این

۱۶۶ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره بیست و هفتم، زمستان ۱۳۹۱ —————
امر، نشان از تربیت مذهبی او دارد که در خانواده‌ای سنتی بزرگ شده و نمی‌تواند احساسات خود را تغییر دهد. این نکته، نشانه‌ای از غلبه احساسات سنتی خالد بر تفکر مدرن او است.

استخاره: پدر خالد، پس از کسادی بازار به فکر تغییر شغل می‌افتد. ولی به جای مشورت با افراد خبره، ترجیح می‌دهد استخاره کند (همان: ۶۰). استخاره بد می‌آید و او نیز از اندیشه خود منصرف می‌گردد. تصمیم پدر خالد کاملاً متناسب با روحیه و تفکر او است. وی با این کار به نوعی از خود رفع مسئولیت می‌کند و برای اینکه عواقب شکست را نپذیرد، رفع گرفتاری خود را به خداوند واگذار می‌کند. در نهایت تصمیم او برای رفتن به کویت نشان می‌دهد که تا حدی از عقاید خود عقب‌نشینی کرده است.

خمس: مردم به سیاست‌های دولت در راستای پرداخت مالیات به انگلیس معترض‌اند. نخست‌وزیر که رگ خواب مردم را می‌داند، در توجیه پرداخت مالیات به انگلیسی‌ها از حق مردم به خمس تعبیر می‌کند تا بهانه‌ای مذهبی داشته باشد (همان: ۱۱۶)؛ اما استدلال او آنقدر خام است که حتی خالد نوجوان را نیز قانع نمی‌کند. سخن کودکانه خالد، عمیق‌تر از حرف نخست‌وزیر است. این سخن که لحنی طنزآمیز دارد، اندیشه او را نیز آشکار می‌کند. او با تفکری که نشان از تربیت در خانواده‌ای مذهبی دارد، انگلیسی‌ها را کافر می‌داند و از این‌رو آنان را شایسته دریافت خمس نمی‌بیند. نویسنده که در جای دیگر آشکارا با حکم مذهبی خمس مخالفت می‌کند (محمود، ۱۳۵۳: ۲۹)، در اینجا نیز خمس در خدمت استعمار انگلیس را مترادف با باج دادن می‌داند.

نوحه خوانی: در داستان با نوحه‌خوانی روبه‌رو می‌شویم که راننده نعلش‌کش است؛ اما نوحه‌های سوزناکی می‌خواند (همان: ۹۷). تناسب این دو شغل، جالب توجه است که هر دو ارتباط نزدیکی با مرگ دارد. نوحه‌های او بسیار سوزناک و خالی از شور حماسی و تنها برای تحریک احساسات مذهبی مردم است؛ زیرا در این دوره هنوز عناصر دینی وارد عرصه سیاسی نشده است. هر چند لحن نویسنده در این بخش احترام‌آمیز است، نعلش‌کش بودن مرد نوحه‌خوان می‌تواند نشانی از کهنه شدن سنن مذهبی باشد.

مطالعه کتب مذهبی: پدر خالد به کتب مذهبی علاقه زیادی دارد. در گذشته، تاریخ‌های مهمی مانند تولد فرزندان را در آغاز قرآن ثبت می‌کردند. در همسایه‌ها، کتاب

قصص الأنبياء است که چنین کارکردی می‌یابد. پدر خالد، تاریخ ازدواج خود و تولد فرزندان را در صفحه آغاز این کتاب یادداشت کرده است (همان: ۲۵۸). البته خالد هیچ علاقه‌ای به خواندن قصص الانبیا ندارد و ترجیح می‌دهد کتاب‌های معاصر را مطالعه کند. در عین حال خالد، فرمان امام به مالک اشتر را که پدرش بارها برایش خوانده است، بسیار دوست دارد. هرچند او نگاه مثبتی به دین ندارد، تأکید امام بر اجرای عدالت، نکته‌ای است که توجه خالد را به خود جلب می‌کند.

اعتقاد به رزاقیت خدا: پدر، مردی باایمان است و به رزاقیت خدا اطمینان دارد (همان: ۱۶۸). این اعتقاد هرچند درست است، می‌تواند بسیار خطرناک باشد؛ زیرا افراد، خود را از تلاش و کوشش بی‌نیاز می‌بینند. نمونه بارز این مسئله در داستان، «خواجه توفیق» است؛ مردی تریاکی که شبانه‌روز را در خماری می‌گذراند و به داشته خود راضی است.

نبوت و امامت: اهمیت باورهای مذهبی در جامعه سنتی رمان همسایه‌ها به قدری است که «غلام قاتل» زندانی هم آن را درک می‌کند. او که در جست‌وجوی روزنه‌ای برای رهایی از زندان است خود را به جنون می‌زند و آن جنون را بیش از هر چیز با ادعای پیامبری و امامت تقویت می‌کند (همان: ۳۹۷). غلام، مذهب را به عنوان جدی‌ترین مسئله انتخاب می‌کند و با دست انداختن آن، در حقیقت اطرافیان خود را به بازی می‌گیرد تا جنون او را بپذیرند. سرانجام پزشکان نیز جنون غلام را باور می‌کنند و تصمیم می‌گیرند تا او را روانه تیمارستان کنند.

اعتقاد به تقدیر الهی: تقدیرگرایی از ویژگی‌های سنت است که در فرهنگ ایرانی، ریشه در عقاید اشاعره دارد. پدر خالد، مردی سنتی است که معتقد است سرنوشت انسان در زمان تولد رقم زده می‌شود (محمود، ۱۳۵۳: ۱۰۸). با وجود این وقتی به این نتیجه می‌رسد که باید تغییری در وضعیت خود دهد، راهی غربت می‌گردد تا بتواند زندگی خانواده‌اش را اداره کند. او در عمل به این نتیجه می‌رسد که باید خود سرنوشتش را تغییر دهد و مجبور نیست وضعیت کنونی را تحمل کند.

احترام به علمای دین: پدر خالد به روحانیان، ارادت زیادی نشان می‌دهد و روزهای جمعه را به ملاقات با آنان اختصاص می‌دهد. شکایات و سهویات، تلاوت و تفسیر قرآن و بحث در تاریخ اسلام و حقانیت تشیع، موضوع صحبت او با آنهاست (همان: ۱۷). همین‌طور در روزگاری که دستش به دهانش می‌رسیده، از حاج شیخ علی و خانواده‌اش دعوت و پذیرایی می‌کرده است. معمولاً شیخ و اعضای خانواده‌اش در چنین دیدارهایی از ثواب اطعام علما، نعمت‌های بهشت، خمس و سهم امام صحبت می‌کردند (همان: ۲۹). برخلاف پدر، راوی اعتقادی به آنان ندارد و حاج شیخ علی را یکی از منفی‌ترین شخصیت‌های داستان معرفی می‌کند. نویسنده با لحنی کنایی و تند از روحانیان سخن می‌گوید، گویی آنها را در اجتماع، ساکن و بی‌تحرک می‌بیند (همان: ۳۸۰).

خرافات: خرافات از پدیده‌های فرهنگی است که مرز باریکی با دین دارد. در داستان، رفتارهایی خرافی را می‌بینیم که طالبان آن به خیال عملی معنوی، آن را انجام می‌دهند. سود این کار نیز نصیب «میرزا نصرالله عطار» می‌شود که از این راه پولی به جیب می‌زند و مردم ساده‌دل را فریب می‌دهد.

خواندن کتاب‌های موهوم: پدر خالد، مرد مؤمنی است که با کساد شدن آهنگری به جای تلاش و کوشش به خواندن کتاب/سرار قاسمی و اجرای دستورهای آن روی می‌آورد. او معتقد است با چله‌نشینی و خواندن اذکار و اوراد، گشایشی در کار خود می‌یابد. اما سرانجام مجبور می‌شود کمر همت ببندد و برای کار، راهی کویت شود؛ در حالی که چله‌نشینی‌های طولانی برایش ثمری در بر نداشته است (همان: ۲۵).

دعانویسی: خالد با وجود پیوستن به حزب توده، به دلیل تعلیم کودکی یا ترسی که از بی‌احترامی به امور مذهبی حس می‌کند، قدرت اهانت به دعا را ندارد. به همین خاطر است که در بازداشتگاه، پس از اینکه متوجه می‌شود مادرش دعایی را در بالش او پنهان کرده است، از پاره کردن آن منصرف می‌شود؛ در حالی که تفگرش، تأثیر آن را قبول ندارد، اما قادر به کتمان احساسات خود نیست و برای خود استدلال می‌کند که «اگر نفعی ندارد، ضرری هم ندارد» (همان: ۳۵۶).

تعلیم و تربیت

مکتب‌خانه: «ملاً احمد مکتب‌دار» که در گذشته مکتب‌خانه‌اش را جلو مسجد دایر می‌کرده است، پس از آمدن به خانه «همسایه‌ها»، سایبان الاغ‌ها را برای مکتب‌خانه اجاره می‌کند (محمود، ۱۳۵۳: ۲۸۳). در اینجا زبان کنایه‌وار محمود بسیار تند است. ملاً احمد، جای آخور الاغ‌ها می‌نشیند و بچه‌ها یکی‌یکی روبه‌روی او زانو می‌زنند و قرآن می‌خوانند (همان: ۲۸۴). مکتب‌خانه که عنصری سنتی است، جایگزین چهارپایانی می‌شود که زمانی «رحیم خرکچی» از آنها استفاده می‌کرده است. اما هر دو این عناصر، اهمیت خود را از دست داده‌اند. مکتب‌خانه از جلو مسجد که مهم‌ترین نهاد مذهبی محسوب می‌شود، به خانه‌ای کوچک و زیر سایبان الاغ‌ها منتقل شده است. با وجود این ملاً احمد، سخت مدافع کار خود است و معتقد است که انسان‌های بزرگی چون ابوعلی‌سینا و امیرکبیر، شاگرد همین مکتب‌خانه‌ها بوده‌اند.

مخالفت با مدرسه رفتن: خالد به دلیل مخالفت پدرش که گوش به فرمان شیخ علی است، از ادامه تحصیل بازمانده است. به همین خاطر، کینه‌ای قدیمی از شیخ به دل دارد. شیخ معتقد است که مدرسه فایده‌ای برای بچه‌ها ندارد، زیرا منافع خود را در تضاد با آموزش‌های مدرسه می‌بیند. هرچند خالد به مدرسه نمی‌رود، با مطالعه کتاب‌ها و روزنامه‌هایی که شفق در اختیارش می‌گذارد، با مسائل اطراف خود آشنا می‌شود.

اجتماع

آداب شادی عمومی: در «همسایه‌ها» در مراسم جشن خودجوشی که پس از ملی شدن صنعت نفت و در آستانه سال نو برگزار می‌شود، با رقصی سنتی روبه‌رو می‌شویم. با وجود آنکه این جشن به مناسبت ملی شدن نفت و پیروزی در یک جنبش جدید برپا می‌شود، اما مردم راه دیگری برای ابراز شادمانی نمی‌شناسند (همان: ۲۱۳). نواختن ساز و دهل نیز یکی از آداب مربوط به مراسم شادی به‌ویژه عروسی است که در داستان می‌بینیم (همان: ۲۴۵). این نمونه‌ها، جزو سنت‌های محدودی است که نویسنده در توصیف آن دیدگاهی منفی ندارد.

بی توجهی به حقوق زنان: مادر خالد، همیشه پشت سر او و پدرش راه می‌رود و هیچ وقت نشده است که حتی شانه به شانه آنان حرکت کند. او در جواب پسر که شنیده است زن باید جلوتر برود، می‌گوید: «*آنها با ما فرق دارند پسر*» (همان: ۹۸). خود محمود نیز نگاهی سنتی به همسرش دارد و او را زنی بسیار سنتی می‌داند که بار زندگی با او را تحمل کرده است (محمود، ۱۳۸۴: ۱۲۵). این نگاه، حاکی از عمق مردسالاری در جامعه ایران است.

اقتصاد (مشاغل)

در جامعه سنتی، نظام اقتصادی حاکم و شیوه سنتی تولید محدود، گستره مشاغل را نیز محدود می‌سازد. بنابراین مشاغل متناسب با استعدادها و نیازهای افراد این جامعه شکل می‌گیرند.

عطاری: عطاری از شغل‌هایی است که در طبابت سنتی ریشه دارد و به درمان خانگی کمک می‌کند. برای درمان گلودرد جمیله، خواهر کوچک خالد از میرزا نصرالله جوشانده می‌گیرد؛ هر چند که افاقه نمی‌کند و هر بار که می‌خورد، برمی‌گرداند و باز تب می‌کند. باور به درمان‌های سنتی تا حدی است که در صورت نتیجه نگرفتن نیز مانند یک عادت تکرار می‌شود. «میرزا نصرالله عطّار» از شخصیت‌های منفی داستان است که با تقویت باورهای خرافی مردم از آنان سوءاستفاده می‌کند.

نانوایی: نانوایی از مشاغل قدیمی مهم است که بین افراد جامعه حرمت زیادی دارد. شاطران نیز در رعایت آداب مذهبی اهتمام داشته‌اند؛ مثلاً هنگام روشن کردن تنور، صلوات می‌فرستادند (محمود، ۱۳۵۳: ۲۰۴). شاطر حبیب نیز در دسته شخصیت‌های طماع داستان قرار دارد که با آجر کردن نان دیگران به سود بیشتر خود می‌اندیشد.

سیاست

استبداد: استبداد، بارزترین ویژگی حکومت سنتی است که در همسایه‌ها شاهد هستیم. در داستان، هرگاه میتینگی برپا می‌شود، با هجوم مأموران به هم می‌خورد. خالد

و رفقاییش همیشه محافل خود را مخفیانه تشکیل می‌دهند و مأموران در لباس شخصی نیز آنان را تعقیب می‌کنند. این مسئله به‌ویژه در شکنجه شدن خالد در بازداشتگاه و حبس صد روزه او در سلول انفرادی مشخص می‌شود (همان: ۳۶۰ و ۵۰۰).

مدرنیته در رمان همسایه‌ها

فرهنگ

آموزش و پرورش: رشد و گسترش آموزش و پرورش از دستاوردهای مثبت مدرنیته به شمار می‌رود (نوذری، ۱۳۷۹: ۱۳۲). اما مدرسه‌ای که در همسایه‌ها توصیف می‌شود، تفاوت چندانی با مکتب‌خانه‌ها ندارد و حاکی از کمبود توجه دولت به فرهنگ عمومی است (محمود، ۱۳۵۳: ۱۱۶).

اجتماع

حقوق مدنی: «پندار» که از اعضای حزب توده است، در زندان نیز نقش رهبری زندانیان را به عهده می‌گیرد و آنان را هم از حقوق خود مطلع می‌کند (محمود، ۱۳۵۳: ۴۴۰)؛ هر چند زندانیان دزد و قاتل، آمادگی پذیرش این صحبت‌ها را ندارند. شکست اعتصاب آنان بیانگر همین نکته است.

حقوق اجتماعی زنان: «لیلا»، دختر ملااحمد مکتب‌دار است، اما دختری روشنفکر است و سعی می‌کند تا زنان محروم همسایه را از حقوقشان مطلع کند. وی معتقد است که زنان باید تحصیل و پایه‌پای مردان در فعالیت‌های اجتماعی شرکت کنند. زنانی که حق تشییع جنازه همسایه خود را نیز ندارند (همان: ۲۸۹).

در زمینه حقوق زنان، با تفاوتی عمیق بین آنان مواجه‌ایم. مادر خالد، زنی است که هرگز جلوتر از شوهر خود راه نرفته است و هر چند می‌داند که این کار خلاف شرع نیست، مطمئن است که باید همین طور رفتار کند. اما در خانه‌ای که همین زن زندگی می‌کند، حضور کوتاه لیلا را شاهد هستیم که عقیده دارد زنان باید درس بخوانند و

۱۷۲ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره بیست و هفتم، زمستان ۱۳۹۱
پابه‌پای مردان کار کنند. حضور لیلا در داستان، مانند برقی زودگذر است که نشان از پذیرا نشدن تفکر او در زمانه خود دارد.

پدیده‌های اجتماعی

بلیت بخت آزمایی: بلیت بخت‌آزمایی در ظاهر پدیده‌ای مدرن است، اما کسانی آن را می‌خرند که به شانس و اقبال معتقدند. در حقیقت این بلیت، شکلی مدرن از فال گرفتن است که افراد عامی علاقه زیادی به خریدن آن دارند (همان: ۲۹۰).
روسپیگری: روسپیگری پدیده‌ای مدرن است. در گذشته با تن‌فروشی و عمل نامشروع برای کسب پول روبه‌رو نبوده‌ایم (گیدنز، ۱۳۷۶: ۲۱۰). در داستان نیز افرادی هستند که زندگی خود را از چنین راهی می‌گذرانند (محمود، ۱۳۵۳: ۱۴۷). محمود با نگاهی انتقادی این مسئله را مطرح می‌کند و به پیامدهای زیان‌بار آن برای شخصیت‌ها اشاره می‌کند.

اقتصاد

نفت: استفاده از نفت و گاز از نتایج تکنولوژی نوین است (نوذری، ۱۳۷۹: ۱۱۹). تلاش برای ملی کردن صنعت نفت و از سوی دیگر، گسترش استخراج آن، مصادیق این نکته است که در داستان می‌بینیم. هر چند نفت از سرمایه‌های ملی ایران است، امتیاز اصلی آن از آغاز در دست بیگانگان بود؛ به طوری که پس از ملی شدن آن نیز اقتصاد ایران، قدرت اداره آن را نداشت و در عمل ناچار به امتیازدهی به بیگانگان شد.
گسترش کارخانه‌ها: توسعه صنایع مدرن، مشکلات زیادی را نیز به همراه دارد که متوجه کارگران است. آنان که به دنبال سود بیشتر هستند، ناگزیرند از حقوق و کارگران کم کنند. حزب توده با تیزبینی، چنین مسائلی را در نظر می‌گیرد تا بتواند کارگران را تحت نفوذ خود درآورد (محمود، ۱۳۵۳: ۲۲۲).

مشاغل جدید

ساختن مجسمه‌های تزئینی: هرچند مجسمه‌سازی جزء هنرهای مدرن است، شیوه‌ای که مرد زندانی برای ساختن مجسمه به کار می‌برد، کاملاً سنتی است و تنها ظاهر خوش آب و رنگ آن را می‌پوشاند (همان: ۳۸۸).

بازرس شهرداری: حضور بازرس شهرداری، برای خراب کردن تنور «صنم» که در خانه نان می‌پزد و به همسایگان می‌فروشد، یکی از نشانه‌های حمله مدرنیته به سنت است. او که خود از خانواده‌ای سنتی بوده است، اکنون دم از قانون و نظم شهر می‌زند (همان: ۱۹۴). بازرس شهرداری به تنهایی کاری از پیش نمی‌برد؛ اما با همراهی یک پاسبان موفق می‌شود تنور را خراب کند. قدرت نظامی موجب تثبیت نهادهای دیگر می‌شود.

سیاست

فعالیت سیاسی: فعالیت سیاسی توده مردم، از ویژگی‌های عصر جدید است. آنان که حقوقی جدید یافته‌اند، تلاش می‌کنند تا شرایط موجود را تغییر دهند و به آزادی برسند. البته بیشتر خواسته‌های آنان مادی است.

مبارزه سیاسی: خالد که اتفاقی با یکی از اعضای حزب آشنا شده است، با توجه به فقر اطراف خود به تدریج تصمیم به مبارزه سیاسی می‌گیرد (همان: ۲۱۵). او سن کمی دارد و شناخت درستی از اوضاع و احوال سیاسی جامعه ندارد.

میتینگ سیاسی: زمانی که داستان در آن اتفاق می‌افتد، مصادف است با اوج‌گیری تلاش برای ملی شدن صنعت نفت که در جنوب کشور با هیجان بیشتری همراه بوده است. میتینگ‌های سیاسی که در مکان‌های عمومی و با حضور تعداد زیادی از مردم تشکیل می‌شود، نمونه‌های این تلاش‌هاست.

اعتصاب: اعتصاب کارمندان و کارگران در دفاع از دولت مصدق و اعتصاب غذای زندانیان برای بهتر شدن وضع غذا، نمونه‌هایی است که در داستان می‌بینیم. البته اعتصاب غذای زندانیان به دلیل گرسنگی و خشم آنها، به شکستی سخت می‌انجامد.

نتیجه‌گیری

رمان بیش از هر ژانر ادبی دیگری به جامعه می‌پردازد. مطالعه رمان‌های احمد محمود نشان می‌دهد که یک داستان‌نویس حاذق جامعه خود را به خوبی می‌شناسد. در رمان همسایه‌ها با جامعه‌ای کاملاً سنتی مواجه می‌شویم که به تازگی قدم در راه مدرن شدن گذاشته است. در این رمان، بیشتر شاخص‌ها به‌ویژه در حوزه فرهنگ، سنتی هستند؛ اما کوشش‌هایی نیز برای تغییر شکل موجود انجام می‌گیرد. این تلاش‌ها بیش از آنکه رنگ و بوی مردمی داشته باشد، شکل سیاسی دارد؛ آن هم شکلی خام که در پایان به شکست می‌انجامد. در زمینه سنت، بیشتر عناصر حاضر در همسایه‌ها، مربوط به حوزه فرهنگ (به‌ویژه باورهای دینی) است. بنابراین جامعه ایران در مبانی اندیشه، سنتی است و گرایش چندانی به آموزه‌های مدرن ندارد؛ در حالی که عناصر مدرن در حوزه سیاست، کمیت بیشتری دارد.

عناصر سنتی و مدرن در حوزه اجتماع، رقابتی پایاپای دارد. با وجود اینکه با پدیده‌های اجتماعی جدیدی روبه‌رو هستیم، آداب و رسوم اجتماعی نیز به حضور خود ادامه می‌دهد. در این بخش نیز امکانات جدید و قدیم در تضاد با یکدیگر قرار دارد. پدیده‌های اجتماعی جدید هنوز در ابتدای راه است و به زندگی عامه مردم راه نیافته است.

ساختار اقتصادی جامعه نیز شکل سنتی دارد. مشاغلی مانند قهوه‌چی، دست‌فروشی، آهنگری و آشپزی، مشاغل عمده شخصیت‌های داستان است. البته در این بین، کارگران شرکت نفت نیز به عنوان نمایندگان مدرنیته حضور دارند. افزایش کالاهای وارداتی موجب شده است تا بسیاری از مشاغل سنتی مانند آهنگری از رونق بیفتد و صاحبان آنها ناچار به ترک کشور شوند.

در حوزه سیاسی، بیش از بخش‌های دیگر با پدیده‌های مدرن مواجه می‌شویم. نفت، مسئله اصلی جنبش‌های سیاسی در داستان است. دیوان‌نویسی، پخش اعلامیه، اعتصاب و برگزاری میتینگ که با حضور گروه‌های مختلف مردم تحت نظارت حزب توده صورت می‌گیرد، حکایت از دورانی جدید دارد. اما این فعالیت‌ها هر چند به ملی شدن صنعت نفت می‌انجامد، در عمل در سایه استبداد سنگین حاکم بر کشور شکست می‌خورد.

محمود در همسایه‌ها، بسیاری از سنت‌ها به‌ویژه سنن مذهبی و اجتماعی را نقد می‌کند. هر چند محمود ضعف برخی شخصیت‌های دینی را پررنگ‌تر تصویر می‌کند، با ترسیم پدر خالد و عمو بندر که افرادی زحمتکش، مؤمن و ساده‌دل‌اند، تا حدودی جانب انصاف و اعتدال را نگاه می‌دارد. در مجموع، نمونه‌های سنت در رمان بیانگر نگاه منفی محمود در این اثر به بیشتر سنت‌ها و ناشی از تفکر مدرن است؛ اما حضور عمیق سنت در لایه‌های اجتماعی را نیز نشان می‌دهد.

عناصر سنتی در رمان به‌گونه‌ای توصیف می‌شود که بیشتر حاکی از نگاه منفی نویسنده به آنها است. هر چند بسیاری از این پدیده‌ها به‌ویژه اعتقادات خرافی مذموم هستند، نگاه محمود به بسیاری از اعتقادات سنتی ایرانیان از جمله اعتقادات دینی نیز نقادانه است. این تفکر ضد سنتی، داستان نیز شخصیت‌هایی مانند «محمد مکانیک»، «بیدار» و «پندار» از آن حمایت می‌کنند. اما در نهایت در مقابل عناصر سنتی شکست می‌خورد.

مقایسه آثار محمود با نظریات گیدنز نشان می‌دهد که هر چند محمود، جامعه‌شناس نبوده، به خوبی با خصوصیات اجتماع خود آشنا است. بنابراین همانند گیدنز، حکم به زنده بودن سنت‌ها می‌دهد. البته جامعه ترسیم‌شده در رمان‌های محمود، هیچ‌گاه مدرن نمی‌شود و در نهایت نیمه‌مدرن می‌ماند.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی و شهرام پرستش (۱۳۸۳) «ادبیات داستانی و سرنوشت جامعه‌شناسی در ایران»، در: نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۱ (۲۳).
- آقائی، احمد (۱۳۸۳) بیداردلان در آینه، تهران، به‌نگار.
- اجاکیانس، آناهید (۱۳۸۶) نقد مجموعه آثار داستانی اسماعیل فصیح و چند داستان از احمد محمود، زویا پیرزاد و...، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- افشار کهن، جواد (۱۳۸۳) بازخوانی جامعه‌شناختی سنت‌گرایی و تجدّدطلبی در ایران بین دو انقلاب، تهران، آوای نور.
- برمن، مارشال، (۱۳۷۹) تجربه مدرنیته، ترجمه مراد فرهادپور، تهران، طرح نو.
- جهانبگلو، رامین (۱۳۸۷) زمانی برای انسانیت بشر، تهران، نی.
- زرافا، میشل (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی ادبیات داستانی، ترجمه نسرين پروینی، تهران، سخن.
- زیبا کلام، صادق (۱۳۷۶) سنت و مدرنیته، تهران، روزنه.
- گلستان، لیلی (۱۳۸۶) حکایت حال، تهران، معین.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی.
- (۱۳۸۴) پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، مرکز.
- قدرتی، فاطمه (۱۳۸۶) «ادبیات شهری و همسایه‌های احمد محمود»، در: رودکی، شماره ۲۰.
- مارشال، گوردون (۱۳۸۸) فرهنگ جامعه‌شناسی آکسفورد، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، میزان.
- محمود، احمد (۱۳۵۳) همسایه‌ها، تهران، امیرکبیر.
- محمود، سارک و همکاران (۱۳۸۴) دیدار با احمد محمود، تهران، معین.
- نوذری، حسین‌علی (۱۳۷۹) صورت‌بندی مدرنیته و پست‌مدرنیته، تهران، نقش جهان.